

درمانگری اسلامی: (بیوانرژی)

بیماران که تحت درمان با بیوانرژی قرار میگیرند با سه گروه تقسیم میشوند.

۱- بیماران که طی چند جلسه درمان میشوند.

۲- بیماران که با انرژی وابستگی پیدا میکنند.

۳- بیماران که درمان در آنها موثر نیست.

این مسئله با پیارسنگی دارد نه با بیماری، بیمار باید از ما هیت درمان اطلاع داشته باشد و در وضعیت آرام روی تخت قرار بگیرد. بسیاری از بیماران سوال میکنند که در حین درمان باید چه کنند. باید گفت؛ میتوانند به روند درمان توجه کنند و روی عضو در حال درمان متمرکز شوند یا میتوانند ذکر بگویند یا دعا بخوانند.

درمانگر در وضعیت راحت ترجیحاً روی یک صندلی بلند بنشیند. اگر در تشخیص بیماری شک دارید، خواست خود را همراه انرژی منتقل کنید. بخاطر داشته باشید که بزرگانی بوده اند که از پزشکی اطلاعاتی نداشتند ولی میتوانند بیماران را درمان کنند. اساس کار عبارتست از ضرور درمان به سلولها و نسوج برای درمان همزمان با انتقالی انرژی از طریق دستها با توجه به دانش پزشکی. زمان بستگی به بیماری و عضو بیمار دارد. این دستورات شروع کار بر روی بیمار است:

۱- همیشه از سر شروع کنید. درمان دهید که عوامل عصبی و عاطفی که باعث بروز بیماری شده از آگاهی بیمار پاک شود. این عوامل عصبی و عاطفی امواج الکترومغناطیس بوده و قابلیت حل شدن در انرژی دستهایتان را دارند. این عمل را سه دقیقه انجام دهید.

۲- عضو مورد نظر را انرژی بد دهید. برای اینکار اگر عضو دردسترس است دستها را روی آن عضو بگذارید. اگر عضو دردسترس نیست نزدیکترین محل را برای فرستادن انرژی به آن انتخاب کنید. این عمل را چهار دقیقه انجام دهید.

۳- هاله بیماری را از عضو پاک کنید. این عمل را یک الی سه دقیقه انجام دهید.

روش دیگر:

۱- گفتن بسم الله الرحمن الرحیم بنیت شفاگری.

۲- به حالت آلفا بروید.

۳- میخواید که انرژی که باعث ناراحتی یا بیماری شده تخلیه و جای آنرا با انرژی سوره

توحید پر کنید.

۴- سوره توحید را سه بار بخوانید.

۵- دست را بر روی سر بیمار بگذارید تا سیستم عصبی رها شده و باشما همسو گردد.

۶- زمان انرژی دادن رابطه ای بین عضو بیمار با پتانسیل پائین و عضو سالم با پتانسیل بالا ایجاد میشود (با هر دو دست) وقتی انرژی میدهند انرژی جدیدی میگیرند.

۷- زمان دعا کردن باید یاد بگیریم که آگاهانه از هر دو دست انرژی ساطع کنیم، گفتن ذکر
الله الله الاله العالی القیوم هر شب چهل بار برای کسانی که در مانگرمی میکنند.

۸- هنگام بازدم تنفس حسن کنید این انرژی از کف دستهایتان خارج میشود منابع این انرژی میادین مغناطیس زمین و کرات دیگر میباشند.

۹- دست روی عضو بیمار گذاشته تا عضو بیمار از انرژی که از دستهایتان ساطع میگردد اشباع شود.

۱۰- هنگام انرژی دادن از چاکرای ششم استفاده کنید.

۱۱- چاکرای قلب در شفا گرمی بسیار مؤثر عمل میکند.

تکنیک انرژی دادن از راه دور:

سوره های توحید و کافرون و فلق و ناس و انشراح را هفت شب هر شب هفت بار بخوانید سپس از راه دور کار کنید. میتوانید فقط چهار رقل را پنج بار هر شب به مدت یک هفته بخوانید تا ذکر گذاشته باشید از راه دور کار کنید. تازه کارها نمیتوانند برای گروهی انرژی بفرستند. اجازه بدهید این آگاهی وارد آگاهیان شود. تصور و احساس کنید که بیمار در کنارتان میباشد.

تکنیک خارج کردن غیر ارگانیکها:

چهار رقل را هر زمان بخوانید. بسم الله الرحمن الرحیم را با هدف تخلیه میدانهای انرژی ناخواسته بخوانید. بهترین راهها برای شروع درمان دستانتان هستند. غیر ارگانیکها از سمت چپ خارج میشوند و سپس فرد نشناخونشی پائین میافتد و ضعف شدید کرده و سپس حالش خوب میشود. پس از خروج غیر ارگانیکها هاله فرد از ناحیه خروج سوراخ میشود. بهتر است با اذکار یا نور یا قدوس - یا حافظ یا حفیظ - یا مومن یا مهین آنرا ترسیم کنید.

چنینها میادین انرژیهای هستند که ناخالصیهای زیادی دارند. تمام کسانیکه با جن کار میکنند نمیتوانند خودشان کمک کنند. قدرت انسان از جنها بیشتر است.

قانون خلاص: آزاد شدن از سموم و ایجاد جا برای مهرورزی و عشق و ایثار و غیره. این سارها نندگردد باد میباشند.

روش بخششی: سلبه خاطرات منفی را بنویسید و همه افراد باعث آن خاطرات را ببخشید.

روش حذف آگاهیهای غلط: (عقده): دست بر روی مغز گذاشته و با خواستمان میخواهیم که

خاطرات و آگاهیهای بد و غلط حذف شود و سوره توحید و کوشروانشراح را میخوانیم.

تحرین برای تغییر طول موج انرژیها به نور:

در یک مکان ثابت یک هفته بعد از غروب آفتاب هر شب چهل بار این ذکر را بگوئید:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بِسْمِ اللّٰهِ النُّوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ النُّوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ النُّوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ النُّوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ النُّوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ النُّوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ النُّوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ النُّوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ النُّوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ النُّوْرِ

تحرین برای شهود:

چهل شب بعد چهل بار بسم الله الرحمن الرحيم فالله خير حافظا وهو ارحم الراحمين.

میتوانید از ذکر بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا هو العلی القیوم نیز استفاده کنید.

تحرین اصلاح جسم و ذهن:

این تحرین را بهتر است شبها انجام دهید. روزه قبله دراز بکشید. بدن را ریلکس کنید. اکنون سنگینی خود را به زمین بدهید. نیروی زمین را جهت اصلاح بدن و ذهن احضار کنید. حس کنید که از زمین صفحات انرژی از بدنمان عبور میکنند. رفلکس را حس کنید. زمان تحرین حداکثر سی دقیقه و حداقل ده دقیقه باشد. از رنگ انرژی مدارهای زمین هم کمک بگیرید.

تحرین تصفیه جسم و ذهن:

در این تحرین تصور همراه آگاهی باید منتقل شود. در وضعیت راحت نشسته و نگاهتان بر روی یک نقطه از سقف باشد. تمرکز در تنفس و نگاه داشته باشید. سپس ریلکسیشن و چشمها بسته و پیرکز از فرق سر به پایتین ستون فقرات و بالعکس. سفر به کف پا و دوباره به فرق سر. سفر به آلت تناسلی و بالعکس. سفر به داخل شکم و سینه و روی شکم و روی صورت و به همه جا و داخل پیشانی و چشم و گوش و بینی و دهان و پوست سر و مو و غیره را انجام دهید. سعی کنید تک تک اعضا بدنتان را حس کنید. همه روح هرود جایی که تمرکز و آگاهی روی آنهاست.

تحرین عبور نور و همسویی با انرژی کره زمین:

در وضعیت راحت نشسته و تصور کنید که ساقی کره زمین را یک سطح نفرمانی فرا گرفته است. سپس اطلاقتان را نورانی ببینید. این نور را از پایتین پاها به خود وارد کرده و عبور داده و از فرق سر خارج کنید. سعی کنید ذهنیت روی چاکراها ناپا شده فقط وارد بدن شده و خارج نگردد.

تحرین ذهن:

بعد از گناه پیشیمان حاصل میشود. توجه کنید تا سیستم ذهن را اصلاح کند. سیستمهای اعتقادی تکنیکهایی برای خلاصی ذهن است. از طریق سووم شخص مفرد به اعمالشان بعنوان نفر سووم نگاه کنید.

تحریر تقویت دریا فتهاى شهوى:

- ۱- تنها بودن در اتاق عبادت باعث اخزایش توجّه میشود
- ۲- هنگام عبادت حدود هاله ها پتان را حس کنید
- ۳- اگر از وسط پیشانی نوری حس کردید، آنرا جستجو کرده و بیفید
- ۴- نیم ساعت برای مراقبه از چاکرای یک سه بار با هدف تنفس را از چاکرای اول حرکت دهید و تنفس کنید
- ۵- به چاکرای شبکه خورشیدی توجّه کنید و تصور خورشیدی را در آنجا داشته باشید

تحریر رهایی از محدوددها: (تنفس دعوت خدا به درون)

ششى ثانیة تکرکز بر قفل شدن چشمها داشته باشید. بعد سه ثانیة تکرکز بر قفل شدن جسمه از افکار و سپس ششى ثانیة قفل شدن فک از کلام و بعد سه ثانیة تکرکز بر قفل شدن تنفس. اکنون هنگام دعوت خدا به درون است. هر چه بیه ای را که انکار میکنیم نوعی تنفس خاص خود را دارد. ظرف ششى ثانیة تنفس کنید و با آن تنفس ششى ثانیة ای خدا را به درون فرا بخوانید. ظرف سه ثانیة نفس را نگهدارنده و از خدا برای ورودش به درونتان تشکر و قدر دان کنید. ظرف ششى ثانیة نفس را بیرون دهید در حالیکه از خدا خواهش میکنید که افکار نفسی و همه ناراحتیها و مسوومیتها را از وجودتان خارج کند. یعنی خدا کمک کند تا رواندار تخلیه کنید. ظرف سه ثانیة که کل نفس خارج شده به همان حال تخلیه مکث کرده و خود را تسلیم خدا کنید و از او بخواهید شما را بپذیرد.

روش تغییر بلاها از هاله:

هر انسان در هاله اش یک حلقه نورانی دارد که بترتیب جز به مغز شخص میشود تا بتواند با زندگی ادامه بدهد. این حلقه برای عده ای خوشی و برای عده دیگر رنج را همراه دارد. برخی افراد میتوانند گاهی در حلقه افراد وارد شوند. بیماریها در حلقه افراد هستند. سمکهای بلا عوفی و (بلاگردون) بلایی را از سرکسی رفع کردن و کارهای خیر انسانی و ایتیار باعث میشود که بلاهای درون حلقه ما نیز تغییر کند. حلقه یا ما ندالایک مسئله درونی است که بصورت محدودده بسته مرتب و مثلث و دایره در روزیاهایمان میبینیم ما در شفقتها بیان نباید کوتاهی کنیم.

برنامه معالجه:

- ۱- بازگرداندن تعادل به حوزه انرژی ۲- تغییر عادت ۳- مقابله با شوک اولیه ۴- پرستی از خویش که این بیماری برای من چه معنوی دارد و چه درسی را از آن میتوان آموخت.
- ۵- دقت با پیام بیماری؛ دقت کن - اشکالی وجود دارد - توجه تمامیت خویشت گوش نهی بیماری - توجه طلبی را که اهمیت دارد نادیده بگیر - آن مطلب بسیار مهم چیست.
- ۶- سرچشمه بیماری را باید بدین طریق جست: زیرا کلید شفای بیماری یافتن منشأ آنست.
- ۷- جهت مقابله با بیماری مستلزم تحول در زندگی هستیم. تجربه ما از واقعیت مخلوق خودمان است.
- ۸- شفاگر باید با روشهای مشاوره - کالبد شناسی - فیزیولوژی - شناخت بیماریها - تکنیک ما سائر طب سوزنی - موصوفیاتی - تغذیه - گیاه درمانی آشنایی داشته باشد. انجام هر کاری بنحواحسن کار سهلی نیست.
- ۹- علاوه بر تعالیم فنی فرد محتاج گذراندن تعالیم معنوی نیز میباید. به مبارزه طلبیدن نقاط ضعف شخصیتی و پرورش دیدگاه خلاقه و اشتیاق و نیت انجام کار.
- ۱۰- زمانی که انرژی جاری در شما افزایش می یابد بهمان نسبت قدرتان افزایش می یابد. چنانچه هر مقدار از این قدرت را در قالب منفی استفاده کنید در نهایت دقیقا همان عمل منفی بسویتان باز خواهد گشت. در انرژی درمانی زیاده روی نیز نکنید.
- ۱۱- بذل توجه به آرامی شما را به تعادل و نهایتا به سلامتی میرساند. این نا آرامی میتواند در کالبد فیزیکی و یا در سلول عارفی یا ذهنی یا روحی و یا در هر محدوده ای از زندگی شما رخ دهد.
- ۱۲- هرگونه ناراحتی در هر کجای کالبد یا هر یک از موقعیتهای زندگی پیام مستقیم در باب انحراف از خویشت حقیقی است. دریافت پیام را برای خود تمرین کنید. زیرا موجب پیدایش هدایت مستقیم یا شفای می شود. اطلاعات و دستورات اولیه ممکنست ساده و بی اهمیت جلوه کنند. در واقع شاید اذلال وقت بنظر آیند. یکی از مهمترین عوامل هدایت در زندگی عطش دانستن است. شما چه عطشی دارید. دغدغه خاطر شما چیست. سپس تصمیم گیری کنید.
- ۱۳- منشأ بیماریهایی که علتش معلوم نیست در اثر نفرین یا حسادت و امثالهم است.
- ۱۴- بدون تمرین و تکرار در درمانگری موفق نمیشوید. باید با تمرینات زیاد انرژی را احسن کنید. با انرژی دادن میادین انرژی شما تقویت میشود. برای تبدیل انرژی به ماده نیاز به زمان است. تغییر با فکر تنها غیر ممکنست.

۱۵- کلیه اموری که ما بصورت انرژی انجام میدهم (در تصور) تنها یک کپی از آن باقی میماند و چنانچه پستوانه ای نباشد تجزیه میشود. هرچه افکار و گفتارمان با عملیان نزدیکتر باشد پستوانه انرژیش قویتر است. فکر خلاق باعث میشود تا نیروهای طبیعت در اختیارش قرار بگیرند.

۱۶- نشانه در حین انرژی درمانی باعث ناراحتی میشود

۱۷- هر اس ریشه در گذشته دارد و باید گذشته درمانی صورت گیرد. یعنی عرضهای زندگیهای گذشته بیمار را پاک کنید. تجربیات گذشته در بافتهای بدن ذخیره میشود

۱۸- تنها راه بازگشت انرژی به بدن انجام فکرتان است.

۱۹- زمانی که قادر به گرفتن تصمیم نباشیم بدن نیز قادر به گرفتن تصمیم نمیشود و انرژی در درون بدن را کد مانده و بدن را مسموم مینماید و تبدیل به مشکلات روحی و بعد فیزیکی میگردد

۲۰- عرضهای که در وجود ما هستند میتوانند در وضعیتهای مختلف و لازم بروز نمایند. همانند بروز بعد حیوانی در شخص، روح یکی است ولی اعراض متفاوتند. همه عرضها در داخل ما است. نفس در مرد بصورت زن و در زن بصورت مرد ظاهر میشود

۲۱- آگاهی ما از آنچه گناه محسوب میشود میتواند برای ما تفکر درست و یا نادرست ایجاد نماید. بیم در بعد فکری عبارتست از گناه و گناه یک کلاف فکری است. بیماری عبارتست از اختلال در قالب اثری. هنگام ارتباط با شهود چاکراها باز میشوند و بیماریها رفع میگردد.

۲۲- در بین همه موجودات خلقت فقط انسان میتواند از مادیات انرژی هوشمند استفاده کند.

۲۳- در تاریکی نیز نور و انرژی خاصی وجود دارد. هنگام ارتباط با ارواح انرژی خیلی زیادی مصرف میشود که میتواند منجر به اضطراب و ناراحتیهای روحی و روانی و یا حتی مرگ گردد.

۲۴- من میتواند نهایت آگاهی باشد که نفس کل را به عقل کل و به خدا وصل میکند.

۲۵- پتانسیل همه آنچه که در نفس کل هست بصورت اشکال و رنگهای مختلف در ما بوده و اختیار استفاده از آن در وجود ما میباشد. کلیه اطلاعات داخلیمان توسط نفسمان اداره میشود. نفس کل مشابه انسان در بعد نور بوده و در نتیجه وجودش مثبت و منفی و مرد و زن دارد. ملائکه ای که جزئیات نفس را میسازند رب النوع میباشد. نفس با ما توان میدهد. ما باید نفسمان را بسازیم. ما نفسمان را خودمان انتخاب میکنیم

۲۶- مراحل تکامل: ملفولیت، یادگیری، نوجوانی، استفاده از یادگیری - جوانی، جدا کردن

یادگیریها - بلوغ، انتقال چیزهایی که یاد گرفته ایم.

مراقبه قرآنی:

در مراقبه قرآنی گفتگوی درونی قطع میگردد و سکوت حاصل میشود و در نتیجه این سکوت شور خلاقه ما افزایش یافته و کارهای ما میسوزند، همانا وقتی صدای قرآن شنیدید سکوت پیشه کنید شاید آرزوی بریده شوید، هنگام خواندن قرآن به خدا پناه ببرید از شر شیطان رانده شده یعنی از ذهن به عقل کل پناه ببرید، مراقبه یعنی نبود فکر در فکر، علت درد شقیقه فکر زیاد است، بهتر است تشریح گروهی هم داشته باشید.

عواض این مراقبه:

- ۱- بالا بردن آستانه تحریک پذیری ۲- سیستمی مناسب جهت درد زایی ۳- به تعادل رسیدن سیستم عصبی ۴- فعال شدن دید باطنی ۵- سوزاندن کارها ۶- فعالیت چاکراها ۷- عادت رازما میگیرد ۸- ایجاد حالات متفاوتی مثل تلا یا تی و مکاشفه و حالات روحانی.

عوارض این مراقبه:

- ۱- در بدن مخدرهایی آزاد میگردد که باعث چرت و خواب آلودگی میشوند.
 - ۲- در سیستم تنفسی اختلالهایی ایجاد میشود و ممکنست با خروپف بیاختیم.
 - ۳- ممکنست موقتاً دچار خارش پوستی شویم.
- در این روش ما نترس نداریم و مستقیم وارد سوترا میشویم، قرآن بسط یافته سوتراهاست.
- در قرآن آمده: هیچ چیزی را در قرآن فروگذار نکرده ایم.
- ظواهر قرآن شکفت آور و باطنش ظرف و بی با نیست و تا ریکیها با آن رفع میگردد.

تشریح تمرکز در مانگری:

عضو بیمار را ببینید، دست را نزدیک برده و سعی کنید متمرکز شوید، پتانسیل چاکرا مر قلب از پتانسیل سرنگی (چشم سوم) بالاتر است، با هوای لمس انرژی شما را با او منتقل کنید، مخالفت میتواند انرژی را دفع کند، با پائین آوردن سر توسط چشم سوم انرژی را بتا باندید، درمان را از سر شروع کنید و بخوابید که خاطرات بد را از ذهنش دور کند، دوالی سلا دقیقه انجام دهید، هنگام درمان بخوابید که کالبد اخترت نیز اصلاح شود، همزمان در عضو بیمار ایجاد رنگ سبز سردی بکنید.

تشریح شستشوی هاله:

- ۱- روی زمین به حالت دوزانو نشسته و طی چهل یا هفتاد بار تنفس در هر دم بگوئید الله و در هر بازدم بگوئید هو، این تکنیک را در زمان احساس خستگی نیز میتوانید انجام دهید.
- ۲- در روش دوم از یک مهنر استفاده کنید، مهر را از بالا روی چاکراها گذاشته و از رب النوع خاک بخوابید که هاله تان را پاک کند، روی هر چاکرا دود دقیقه متمرکز کنید، هفتای یک یا دو بار انجام این تکنیک باعث باطراوت شدن هاله و بدن میگردد.

باید در مانگری در زمان ذکر الله لا اله الا هو الی فالل خیر حافظا و هو ارحم الراحمین را بگوئید تا دچار حالت ضعف نشود

انشراح وسعت قلب دارد. عبور از لایه ترس، ترس از مواجهه شدن با چیزهای جدید، برای عبور از خوف و رسیدن به رحاب، سوره حمد روشن کردن موتورهای دیگر است. آغاز یک راه و یک مسیر. سوره رحمن کمک میکند تا دوست داشتن را در خود افزایش دهیم. سوره نحل برای بلند شدن از روی زمین است. سوره توحید ناخالصیها را میزداید تا به انشراح برسیم. توحید قدرت توانایی شغف را افزایش میدهد. سوره بقره برای استفاده از قدرت فوق بشری است. سوره شعرا دانش شعر را دارد. از احساس و لطافت به دانش میرسد. سوره حج با شناخت و بینش میهد و نوری میدهد که با آن میتوانیم فرقان و ابزار انتخاب داشته باشیم. عرفه شناخت و شناسایی دانش را میدهد. والتین سهیل رسیدن به خود واقعی است. والزینون سهیل صلح است. حاجی دارای یک درک و شهود است. ما عاون، در زلزله کسی بفکر کسی نیست و هیچکس فریادرس کسی نیست. ما با بیما عاون را با دستگیری بی منت و نارغ از نیاز از دیگران تجربه کنیم. طارق واقعه ای است که تردید بوده و اتفاقی است که میافتد تا ما قدر را بدانیم. تقابن وقتی اتفاق میافتد که ما دچار عدم درک موقعیت شویم. سوره قدر ظرفیت ما را بسط داده و افزایش میدهد. قارعه، صبحدم در انسان دمیده شده در آنوقت روز قارعه است. بینا با امکان کشف خود را میدهد. فضای که بشود آنرا به بیان آورد. قلم، آنچه که قابل بیان باشد قطعاً قابل نوشتن است و میتوان بقلم آورد. احساسات همان را با قلم بیانوریم. ما بدلیل ذهنی شدن اغلب در هیروت سیر میکنیم. فاصله هیروت تا ملکوت متفاوت است. ما نباید به عالم هیروت دامن بزنیم. اسکینوزفرنی دچار هذیان میشوند. قریش، ترس از تصمیم گیری تا به آفتاب و شمس برسیم و در آنصورت آفتاب دلیل آفتاب مییابد. قمر و نجم، چنانچه خورشید نباشد از قمر و انگر قمر نبود از نجم استفاده میکنیم. اعراف، در این مسیر دنبال شناخت هستیم و شناخت از خصوصیات و احساسات خودمان. حج، حاجی شدن به مقام بودا رسیدن است. زمانی که بینش پیدا کنیم خوار درک میکنیم تا اینکه احساسات را با بینش تبدیل کنیم. حج صورت و حج سیرت کنیم تا به ملاقات خدا برسیم. نور، نور درون را توسعه دهیم تا راه را با نشان دهد. طهارت و مطهر و پاک بودن و گذر از مقام غمرا تیل، فرمان یافتن و در گذشتن. سیرانفس همان مراقبه است. سیر آفاق سیر در بیرون است. عرفا دایم در حال سفر بوده اند. سفر با معرفتی دارد. حمل برای مردگان نیست بلکه برای ما زنده ها هم هست. حمد بهترین کلام جهت جلوگیری از بازگوشی ذهن است. بقره، اقتدار ما را افزایش میدهد. فتح و نصر، پس از درک نتج ناصر میشویم. اسراء رونده شب است یعنی اگر به

درجه پالایش برسیم با دیده دل میبینیم. ما بدلیل ظلمت اسیر شیم، شب قدر شب مکار شفو و شب بوداشدن است، ما با این لحاظ هستیم تا قدرمان را افزایش داده و بالا ببریم. فالمره رسیدن با امل و فطرت خویش است. محوم انسانها اعلام میکنند که زمان کمی داشته اند، ما بیرون از خودمان دنبال خودمان میگردیم. در حال بودن یعنی با همین حالی که هستیم صفا کنیم. مزه لی، پوشش حجاب، حجابی که سعی در بیرون آمدن از آن داریم. جنت، جان ما تملیف نشده و جان کدر میباشند، آتش بدون دود جانان را پالایش داده و پالوده میکند، انرژی نفقه در قرآن بصورت تکرار بعد القاد بعد سیال شدن بعد سیار شدن، ما را اسیر میدهد، نخست سفر در انفس نمانیم از هر کلام به کلام بعدی دامنه ای داشته که انرژی آن آزاد میشود، بیشتر آیات قرآن محتوای انرژی بوده و قادر به تستشو و تحلیل و دفع میباشند. میتوان توسط ابزار کلمه از لایه های عشق، اقتدار، ترس در جهت خوبی و نور عبور کرد. در هر سیری همیشه با چیزهای جدید مواجه میشویم و باید دارای اقتدار و قدرت باشیم تا بتوانیم از لایه ترس عبور کنیم، در عرفان به شیطان مسلمان شده تحقیق میگویند، زمین عیسی همان بنی پیامبری است. خر عیسی شیطان نبی بود.

- ناخود آگاه
- ۱- خاطرات قلبی (حتی زندگیهای قبلی)
 - ۲- نیمه دیگر (جهت مخالف مغزمان)
 - ۳- خدای درون (از درون قلب صحبت میکند)
 - ۴- شیطان درون (ساقه مغز است)

سه در خواب با شکلهای مختلف بروز میکند تا پیشرفت روحی در شخص صورت بگیرد. هر نفس یک میدان انرژی است و ما دارای نفسهای متعدد هستیم و این نفوس بترتیب وظیفه شان را انجام میدهند، اثرات زندگی بصورت آگاس درون ستاره میماند. سوره نمل سهیل تلاپاتی و اسراء سهیل روشن بین و انقال سهیل اینست که همیشه به خود رجوع کنیم. آل همرا برای آباد کردن زمین است زمین که انسان بعد از هموط به آن تبعید شد تا خود را بسازد. سوره سهیل نسیان است چون فراموش کرده ایم. زن سهیل فراموش شده، ما طهارت و پاکیزگی را فراموش کرده ایم. آیات کریمه چیز نیست که ما را به شکل و زیبایی نگه داشته است و آیات ردیله یعنی حذف زیبایی از خلقت. تقارن زیبایی اگر برود همه چیز دفن میشود. سوره رحمن جلوی قدرت سیاه را میگیرد. سوره قمریش سهیل ترس و وحشت از برخورد با موجودات غیر ارگانیک است. سوره شمس بیرون را با درون میبرد. آیه الکرسی برای رفع مشکلات مختلف و آراهش است.

با اذکار مختلف نوع انزریهای جذب شونده متفاوتند و انزریهای نازل شده را در عرفان ایران باران رحمت مینامند.

حکمت باران امروزین چه بود

سفت صدیقه که ای ز بده وجود

کز مصیبت بر نژاد آدهست

سفت این از بهر تسکین نمست

مکاتب مختلفی برای آموزش و انتقال انزری وجود دارد. اساس کار عبارتست از:

۱- ترکیب نفس که باعث میشود انزری نیکوگر نفس سا طبع شود و لازمه شفای بیماران است.

۲- مراقبه که قدرت تمرکز را زیاد میکند.

۳- ذکر که باعث ذخیره انزری در هاله برای انتقال میگردد.

اذکار طول موج خاصی دارند. نور از بسته‌های ریز انزری بنام فوتون تشکیل شده است.

دعای نور: بسم الله النور... برای نور درمانی و ایجاد هاله محافظ عالی میباشند.

یکی از اساسی بیماری در عرفان آتش است. درد سرها و امتحانات در آتش است. بهین

دلیل همه با یک نفس آتشین که خناس است بدنیامی آیند.

ز آتش امراض بگذر چون خلیل

چونکه موصوفی به اوصاف جلیل

محل نفسی همواره ساقه مغز است. کنالینی نیز زمان فعالیت محل زندگی روی ساقه مغز است.

با انزری درمانی به بیماران آتش میدهید. طب از طبیعت می آید یعنی دخالت در چهار عنصر آتش

و باد و آب و خاک، قدر، تقدیر است. قضا، قضاوت شدن است. درک جبر و اختیار یعنی

ایجاد بهشت درون، تحقیق پرنده ای که در آتش است. انسانی که خیلی خبیثه میشود جفت

روحیشی شیطان میشود. شیطان به امر خدا کار میکند و سواس الخناس همان شیطان است.

ما شیطان درون ماست. خرقة پشهینا منظور همان بعد حیوانی انسان است. یعنی حیوانی

مفکر نکن و حیوانی عمل کن. ذخیره اندوزی مربوط با حیوانات است. پیا بربها حیوان درونی شان

شیر است. همه از چهار پایان یک جفت داریم. حس و حرکت با آنست. هنگام اجرای تهریات

کنالینی به ما وجود انزری داده میشود. پیا بربها همان شیطانم بدستم مسلمان شد. برای

حرکت ما درون باید آمده شد تا پنجم سال چنانچه شیطان (ما درون) نتواند تحریک کند.

از چاکرای هفتم بیرون آمده و بال و در میاورد. شیطان فرما نبرد مطلق خداست. ما یک میدان

مخنا طیبی انزریست. نماز هر روز با هاله محافظ میدهد. خواندن صلوات ایجاد نور

طلایی بسیار زیباری میکند. روی دیدن پیا نسیل آگاهی را افزایش میدهد. در رویا با دظلم

فرشته است. حامی اجازه دارد در تخمیر پیا نسیل دخالت کند. کلیه اتفاقات یک روز طرم

انرژی در شب قبل انجام میشود. باران رحمت امواج نوری ریز و درشت است. لا اله الا الله
سنگینترین ذکر موجود است و خطرناکترین بعد نیز میتواند باشد. زمانی از این ذکر استفاده
کنید که چیزی نخواهید. شیطان وظیفه اش در معرض قرار دادن است و در بعد انرژی
مستول وظیفه تخریب و فانی شدن را دارد. یکی از وظایف کوچکش و سوسه انداختن است.
شیطان بسیار زیبا و مقتدر است. خضر در بعد انرژی بچه ای را میکشد، کشتی را سوراخ
میکند و دیواری را میسازد. طرح را شیطان میریزد. دنیای زیرما سه شامل فناست تحت
رهبری خضر است که یکی از عمرهای شیطان است. خضر در اینجا کار شیوا یا الهه مرکبا را
میکند. شیطان میتواند هم مرد هم زن باشد. قرین و قرینه هر شخصی در حد خودش است.
همانگونه که انسانها با هم تفاوت دارند قرین و قرینه اشخاص هم متفاوت هستند.
شیطان همان قرین یا قرینه از نوع مذکر یا مؤنث است. چادر و خیمه منظور وجود ما
با کلیه متعلقاتش است. خانه در خواب جسم ما است. سیاه چاله احساس گناه است.
کلیه افکار منفی همیشه شیطان است. با رویا دیدن ترسهای ناخود آگاه به سطح آمده
احساسات منفی تخلیه شده و گذشته مرور گردیده و سفرهای روحی انجام میکنند. همه
رویاهای آگاهانه را حامیان به شما نشان میدهند. هر شخصی دارای ده موکل میباشند؛
پنج موکل مسئول احساسات و پنج موکل مسئول احساسات باطنی. حامیان طول موجها
را میبینند. رویا سهواً گاهی از خواب بیدار نیست. در حین خواب میتوانیم اتفاقات
اشخاص پیرامونمان را تشخیص بدهیم. حیوانات نیز خواب میبینند. چنانچه موجودی
را در خوابش اختلال ایجاد کند تا خواب نبیند باعث جنونش خواهد شد. خواب دیدن برای
انسان ضروری است و گاهی هشدار دهنده است. کمک کاری افرادی که فلهراً با هم بزنند
در خواب با یکدیگر اختری است و باعث عدم تعادل در بیداری بعد از خواب است. سونامیها در
جایگاههای مختلف تعبیر مختلف دارند. آنچه سهممان باشد بشکلی آنرا دریافت میکنیم.
توجه مهم در قرآن بعنوان تار عنکبوت از آن یاد شده و شیطان در آن سهیم است. این
قوه جزء حیطة موکلین است. در رویا ما با تلفی در آوردن به سراشخاص با ترسهاست
داخلی ارضاء میشودیم. در رویاها به آرزوهای بدست نیامده میرسیم و باعث ترشح
آنزیمهای همانند آنزیمهای در بیداری میشود. دیدن اتفاقات خوب و بد در رویا
باعث ترشح آنزیمهای خاصی در مغز میشود. با بازسازی خاطرات بد و تمکین آنزیمهای
بدن تغییر میکند. کابوسها تخلیه خاطرات بد هستند. خاطرات با دید به سطح آمده تا
در شایر شوند. اقدار یکساله این اجازه را به ما میدهد تا در سر نوشتمان اثر بگذاریم
یعنی در شب قدر، ملک، از ملکوت، ثبت نوری و ملکه ذهن، ثبت در ذهن است.

در کلیه مراحل زندگی از مشاوری قرین استفاده می‌گردد. برای تفکیک شیطان و فرشته
نیاز به شیطان هست. (با در معرض آزمون قرار دادن). یا به کمک ملک خود مان پرواز میکنیم.
جفت روحی بارشده ما شهودش تغییر میکند. نفس ناطقه نفسی است که با انسان صحبت
میکند. در مراحل بالا تر نفس ناطقه با قرینه شروع به صحبت میکند و به امر خدا کار میکند. با
سقوط ارزشها قرینه نیز تغییر کرده و همتراز آگاهی شمع می‌گردد. در زمان سقوط حای
شیطان میشود روح حای فقط با اجازه میتواند مستقیم با شما ارتباط برقرار کند. زمان انرژی
دادن روح حای بخش نیازمند به انرژی را میبیند و جفت روحی هدایت انرژی را بعهده
میگیرد. سفینه در خواب ملکه است و اسب استوار از برتری است. در ارتباط با حای همه
چاکراها باز میشوند. بارشده از نظر روحی فرشته‌ها نیز به کمک میکنند. با و رکن فرشته‌ها
جنبه الهی است. شک همیشه کار شیطان است. شیطان سر خود کار نمیکند و فقط مطالب
داخل سر نوشت را امتحان میکند. با عیبانی شدن شیطان شناخته شده و بر ما مسلط می‌گردد. هر چه
سرمان بیاید حقان است و هر قدر این آگاهی را عمیقاً درک کنیم دیگر شکوه نمی‌کنیم. امکان
نوارده بادی بر سر ما آمده باشد ولی ما انتخاب نکرده باشیم. از درد دیگران نباید رنج بکشیم.
ذوالقرنین صفت کسی است که در هر دو وجه حیات دارد. شیطان چاپ نه است و حکم می‌زند
خضر^(ع) راهی است. اثر کارها پیمان بر روی عرفان مشخص میشود. آب بعد زنا نه و خاک
بعد مردانه و آتش بعد شیطانی و باد بعد فرشتگان است و اتر بعد الهی است. اذکار روی در
و دیوار مسا جوا اثر بخش است. ذکرها در پتانسیل مغز ما تغییر ایجاد میکنند. هنگام خواب
دیدن ما از این پتانسیل استفاده میکنیم. کلمات بصورت دعا اثر گذارند. برای هر دعا یک
مجوز و یک فرشته نیاز است. همه آیات قرآن انرژی سبز رنگی ساطع میکنند. در اشعار منظور
انرژی مرد همان اذکار است. وقت شناسی باعث میشود که کلیه معیستهای ما درست عمل
کنند. بدترین کار کاری است که تصمیم بگیریم ولی انجام ندهیم. نذر برای کسیکه
نیاز دارد بکار برید. نذر باعث گره گشایی کار دیگران میشود. طبلان قدیم باد ستهایشان
به بیماران انرژی میدادند. (سایه شیا از سر ما کم نشود - دست بسر کردن - سایه عالی مستدام.
یعنی هالتهان در حیات زیاد پانند. در عرفان ما هاله سایه است. در هر آن از کلمه ظل
نام برده شده است. ملکوت یعنی انرژی، جمع ظلال نام دیگر آن ملکوت است. لوح
وجود منظور همان هاله است. میدان انرژی در فارسی اصیل، مانا نام دارد یعنی مانندی
آن قسمت از وجود که میماند. برق نا یعنی چاکراها میباشند. ملکوت باطل یعنی طرح انرژی
و هر چه طرح انرژی پیچیده تر باشد ملکوت بیشتر است. سهیلها به ما گد میدهند. با اذکار
به انرژیهای خالصتری دست می‌یا بیم که میتوان انرژیهای دیگر را تحت الشعاع قرار دهند.

ما در خواب، روان مشخصی است که بسراغتان آمده (با پتانسیل منفی)، ما همیشه روی گنیم خوابیده است. زمانیکه شیطان بیکار باشد در پاتین ستون فقرات چپبزه زده و نشسته و در زمان فعالیت از ستون مهره ها بالا می آید. برای درک مکر باید در وجود خود مکار داشته باشیم، مکار درونمان نفس عماره یا شیطان درونی یعنی خناس است. از مکر میتوان در زمان رجعت درست استفاده کرد. والله خیرالهاکین. علم لدنی را نفس یاد میگیرد. زمانیکه شخص آمادگی پیدا میکند طول موج را دریافت میکند. در قرون وسطی بدلیل حساسیت بخرچ دادن در ترویج علم، علم لدنی گرفته شد و علم شیطان شد و همه جا دوگرددند و جادوگران را میسوزانند. انرژی سوزان حسد و خشم و غضب از شخص ساطع شده و به هاله شخصی دیگر وارد میشوند با دادن انرژی شما این پیاها را تفسیر میدهند. نور خاص در قلب هنگام درمانگری مخلوط شده و باعث تاثیر بیشتر میشود. اگر صادق باشید انرژی توسط طبیعت در اختیارتان گذاشته میشود. غدد درون ریز در اثر خشم و تشویش و انتقام مواد سمی در بدن ترشح میشود مسئولیت انتقال جوی ایجاد هیجان میکند. روان همان نفس است که در بعد زمین عمل انجام میدهد. کلیه کارها در بعد زمین با روان صورت گرفته و منشأش نفس است. روان یک ظرف جا میست که در آن همه آگاهیه های خود آگاه و ناخود آگاه روان میباشند. روان را به آب نسبت میدهند چون قابل تغییر است. روح ظرفی است که کلیه اطلاعات بصورت پرونده در آن میباشند. روح از عالم امر است. ذهن ظرفی است که آگاهیه های خود آگاه در آن میباشند. ذهن زیر مجموعه روان است و روان زیر مجموعه روح است. نفس فقط شیطان نیست بلکه پتانسیلهای مختلفی است. ما همواره با سه وجود مشاوره میکنیم: شیطان درون و حیوان درون و نیمه دیگر که پتانسیلهایش شیخ خود ماست ولی کسی بزرگتر است. هیچ دو خناسی مثل هم نیستند. با پیشرفت شخص از نظر روحی، شیطان یا همان ما درونی بال در آورده و خروج و تغییر صورتش را با شخص اعلام میکند و شخص میبیند شیطان پیا بر بدستش مسلطان شد یعنی نفس اماره ^(ص) پیا چهره هم تسلیم گفته هایش شده و در خدمت خودشان قرار میگیرد و این زمانی است که تازه سیر و سلوک واقعی شروع میشود. نفس پس از اتمام کارش از بدن میرود. حرکت دورانی امواج (عناصر اربعه) جسم را در جای خود نگهداشته و با ترک آنها جسم از هم میپاشد. ما برای رشد نیاز به میدان مغناطیسی داریم. هر یک از نفوس بر نام ریزی خاص خود را داشته و متعلق به یک رب النوع میباشند. هر مومن رشد تحت تاثیر نفس نباتی است. صفات و افکار بشر به میادین انرژی بستگی دارند. نفس کل اعداد را ایجاد میکند و اعداد حرکت را ایجاد میکند و حرکت باعث پیشرفت میشود. نفس کل ما در وجودی است سه صفات خداوند را در هر دو بعد جاری میکند. نفس کل اثرهاست. نفس کل زن تلقی میشود. زن

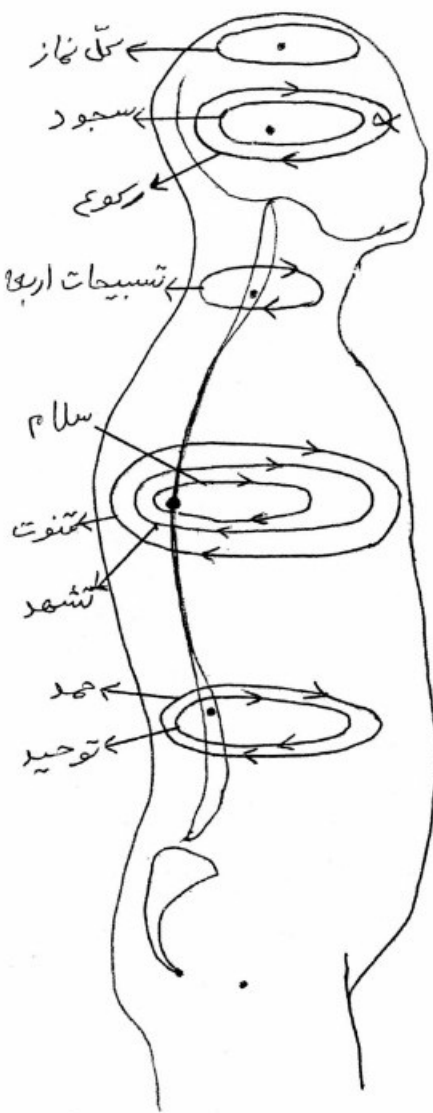
مظهر شیطان و فریب دادن و اغواگری است. حوا و جود زنازه هستی شخصیت‌های متفاوتی دارد. شخصیت محوری، شخصیت کودکی، شخصیت وسواسی، زمانیکه تحرک نفسی در درون سم شود انسان میپرد. نفس وظیفه اش زایش هستی است و آگاهی از آن بیرون می آید. نفس واسطه جسم و روح است و جسم نمیتواند با بعد الهی ارتباط برقرار کند. هاله ما از نفس درست شده چون هاله زایش نفس است. روان عاطفه ها را ایجاد میکند. روح و روان هر کدام یک رب النوع هستند. روح مخزن آگاهیها و محل تقویم گیری است. عقل برای اینست که بیند ذاتش درست شده یا نه. برای اینکه انسان بتواند در بعد جسمانی باشد باید نفس را بشناسد. نفس کل زن است. نفس مرد نیز از همان وجود زائیده میشود. علم نیز از طریق نفس به انسان میرسد. ما تمام علم را از نا خود آگاه میگیریم. نور ذات الهی از نورهای مثبت و منفی تشکیل شده است. چشم بی ما رچیستی است که از آن حسادت ساطع نمیشود. دیدن دونفر با چشم برخورد دو مغز است. آیه وان یکاد اثر چشم زخم را از بین میبرد و با یک کلماتش جاری شود. انواع ذکرها بدینصورت است: اول خود مان میگوئیم بعد ذهن میگوید بعد قلب میگوید و در نهایت او میگوید. در مساجد از کاشیهای شش ضلعی که سمبل نحل است استفاده میشود. نیایش بالاتر از ستایش است زیرا نیایش یعنی خواستن زیبایی و ستایش یعنی تجویز زیبایی. کار خوب کارس است که باعث رضای جسم و ذهن و روح میشود. انواع کارها چهار تا است: کارهای غیر ارادی مثل قلب و ریه و کارهای ارادی مثل حرکت بهر منظوری، هدایت قوه تفکر، تفکرات ما و راه حقیقت. کمبود انرژی در تفکر ما اختلال ایجاد میکند. افراد پر خور انرژی را زود از دست میدهند. با تفریح خوب انرژی در ما افزایش می یابد. انحاء و خودگی از شیطان میباشند. مراقبه ها حالات خم و استرس و شادی را به سطح آورده و اجازه میدهد بهت سکینه و نفس صلمتت برویم. با استفاده از کلمات قرآنی که معادل سوترهای و دامیها شد جهت رفتن به ممق میتوان مراقبه کرد که سبکی موثر و سهل الوصول است و دارای بردهای عمیقتری است. هدف شناخت بیشتر خود و استفاده موثرتر از سیستم عصبی بطور کاملتر است. در واقع سطح آستانه تحریک پذیری بالاتر می رود و روان ما روانتر میشود. آدمهای عنق دارای گره و گرفتگی در ناحیه کتف دارند که مانند زنجیرهایی است که گیر داده و گیر کرده است. اذان افکار را از اعمال نا خود آگاه بالا می آورد. زمانی که احساس و رجه و رجه کردن به شما دست داد به آن دامن بنزید. رمز پریدن و طیر پهنای بالا رفتن است. قدرت کلمات سوتر از زمان ترا بیشتر است. شکستن عهد ما را از خاطر تمان دور میکند. برای اشخاص هنرمند دایما قدر تکرار میشود چون قدر ارتباط مستقیم با

خلا قیامت دارد، هنگام آمدن خورشید و رفتن تاریکی قدر اتفاق می افتد، برای اینکه دچار وسوسه های خناس نشویم باید سجده کنیم، در انجیل روز شنبه روز شفا است، هر چه کلیات بیشتر گفته شود در بدن ما ریزه میگردند ارزش کلیات همیزان نفوذ در مخاطب میباشند، توانندی شاعر در تحریک شنونده است، اشعار مولانا بسیار قدرتمند است، طیف و دامنه کلیات بسیار وسیع است، ابلیس بزرگ قوم جن است، ما در سطح زندگی میکنیم ولی جنها در حجم زندگی میکنند، جن تک عنصری و انش چهار عنصری است، انسان زار میشود یعنی کسی از بازاریها یا ماچازارها یا اهل هوا توانسته نباید و سوار او شود، جنها جسم ندارند و بدنهای انسانیها میباشند تا جسمانیت را تجربه کنند، عقده از آگاهیه های غلط و بد وجود می آید، دروغ و تهمت و خیانت رنگ هاله را تغییر میدهد و کدر میکند، از مکر آسان نمیشود این بشود، جرات با انسان رشد میدهد، محسوسین آگاهانه وارد بلا میشوند چون در طرح کلیشان است، صبر را خدا میدهد، صبغة الله یعنی رنگ خدا که مقصود پیاپی است، دوست داشتن کار بسیار مهمی است، ذکر تان را باز کنید و هر شب از راه دور انرژی درمانی کنید، هنگام درمانگری با درخواست و دعا از عالم بالا انرژی فرستاده میشود، ذکر قوانین خاص خود را در دو ذاکر با یاد اجازة گفتن ذکر را داشته باشد هنگام گفتن یک ذکر خاصها میگذرانند شما اضافه بگوئید، دستور ذکر از بعد مطلق می آید، ذکر کمک میکند تا کور تکس مغز بهتر کار کند، ادکار میدان انرژی را تغییر داده و تبدیل به بیوانرژی میکنند، انرژی است که سلول را نگه میدارد، سلولها طرح کریستالی دارند، در قرآن آمده: ما هفت آسمان را تو در ثور و مزوج آفریده ایم، ما چند جسم داریم که همگی بیکارند، عهد خدا از دانا یان و علما اینست: ا- راضی به ظلم ظالم نشوند، مظلوم گرسنه نماند، هر شخصی باید خود معرفت با ادراک حقیقت شود نه اینکه حقیقت را از مرشد ادراک کند، مرشد تنها کاری که میکند میگوید که از راه خارج نشوید، گریه نشانه نیاز است، دعا و خواستن ثروت است، صبر نوشیدن جرعه های تلخ رنج است بدون اینکه ترس و شویم، همواره بکشید گودال همیقی بین تفکر و کلام بوجود آورید و حتی یک کلمه نسنجیده را بر زبان نرانید و آنچه را بیان کنید که چند لحظه قبل درباره آن فکر کرده اید، هنگام اشتغال به هر کاری فقط به همان کار فکر کنید، انسان نماند که کمال ظهور الهی است، ذخیره نیروی روانی از طریق مهار کردن امیال و حرص های واهی میباشند، شیطان محک ادعاهای بیخودی است، بهترین راه دفع حسادت کسب کمال است، روز در پی کسب هنر باشیم و شب در پی کسب مغفرت و بازگشتن به خویشتن، ذات انرژی، رحمت است، فطرت حکمت است، عقیده چیز بیست و سه انسان مجبور است از آن دفاع کند، سرور کردن

خاصیت ذهن است، اجبار یعنی از دست دادن انرژی، یاری شدن یعنی داشتن انرژی.
ترس یعنی تأثیر انرژیهای ناخواسته. ذهن انرژی آگاهی را میسوزاند. آزمایشها نفس
را کنترل میکنند. در مقام قانع، مقام روشن بین است. برای رفتن به معانی ملکوت نباید
به حوزه هیروت رفت. عبور از حوزه جن ما را به حوزه جن زدگی و یا هیروت میبرد. حیا زه
بدن را تنظیم میکند. خنده تخلیه انرژیست برای همین باید درست و به اندازه خندید.
خنده زیاد دل را میپیراند. چاکرای سه و چهار را خراب میکند. عدل چیزی است که از طرفین
دل هم اکنون هست. عدالت چیزیست که ا تو ما تیک انجام میشود و از دست سیستم عدالت
نمیشود فرار کرد. سیستم عدالت الهی در وجود همه ما هست. کار خیر و صرف انرژی زیادی
دارد. آیا توان کمک کردن را دارید. شاهد و شهید یکی از صفات خداست و در زمین هرگز
از حضور فرستنده خالی نیست. بی عدالتی یعنی در سیستم ما جاهل برای دانا و احمق برای
عالم تقییم بگیرد. استرس و نگرانی در پیشرفت بیش از امیدواری است. پس از خسته
شدن و وامانده شدن امیدواری پیدا میشود. تنفاس سیری که برای بیرون باز است مسیر دل است.
هر چه زمان میگذرد همه چیز سختتر میشود. رهایی مترادف مطلق است و مطلق صفت
شیطانست که به معنای ول و ورها شده میپا شد. پس دنبال مطلق نگردید. همیشه باید از
خوابخواهید که نظریش را از رویان بر ندارد. زیرا نجات در اینست. در زمان حضرت ابراهیم^(ع)
کلمه از وحدت به کثرت رفت بخاطر اینکه از خلقت کم شود. زمان منشا ۷۰۰ سال دارد.
امر خدا بالاتر از روح است. صفات رتبه داشته و مهدی^(عج) باقیاننده خداست. هادی مؤتش
رمز مهدی^(عج) و ظهور در عالم ماده است. با آمدن هر بشری از نظر روحی یا فلسفی یا علمی
چیز جدیدی گفته میشود که حاصل یک عمر کار و تلاش میپا شد و شروع به پرورش آن میکند.
و این میوه آنهاست. حاصل میوه تفکر است. میوه به رایگان خورده میشود تا وانکه
درون سلول ملکه است تکثیر شود. و دانه آگاهی در بدترین و کثیفترین نقطه وجود
کاشته میشود. در واقع بین از کاشت نیاز به کود برای تغذیه و رشد دارد. به همین دلیل
فرستادگان خدا در بدترین نقاط می آمدند. در حال حاضر پلیدترین نقطه کره زمین
..... است و دانه ها در اینجا کاشته میشود. کود همان مخالفت و تضاد است. دانه
تفکر در تفکر دیگران کاشته میشود. آنقدر کود داده نشود که دانه بسوزد. آب همان کلام
است. ما خیلی چیزها را وقتی میگوئیم یا میگیریم. نای انرژی دارد که به نای اصلی وصل
است. بشنو ازین چون حکایت میکند. مدرسه ها لازمه اش تفکر است. مدرسه در سطح
حلال روح خودش میوه اش را پیدا میکند. پیاپی^(ع) مثال سبز میبست. پس از خارج کردن

زباله‌ها و آشغالها را در عالم جسمانی باید خوراک روحانی را تأمین کنیم یعنی عمل خیر بکنیم
 ساده‌ترین خوراک روح تا نیمه نگاه‌ها به ما بیا ندادند تفکر است. تفکر در چیزهایی که به بینهایت
 او مربوط می‌شود، زیرا باعث آرامش روح است. خوراک بعدی کلام خیر و زیباست. غذا
 انرژی حیات را به ما می‌دهد و دفع آن عفونت است و دفع آن نور خیر است. ما به
 دنیوی و بنیادی و حیوانی وابسته ایم. محیط امن جایی است که شما اقتدار داشته باشید.

حجج کبیر پردازی شده اعمال روحانی است که انجام می‌شود حضور جسمانی و روحانی.
 در زمان چرخش به دور کعبه به مرکز آن متصل می‌شویم، ایام حج سالی یکبار است تا سلول
 ملکه که انرژی در قلب است تقویت شود و تثبیت گردد. در وجود ما بیت‌العمور می‌باشد.
 ما در قفس زندگی می‌کنیم که تنهایی روزانه دارد. این دیرمکعب شکل ششی جهت یا قفس
 تن است. سنگ جبرالاسود دقیقاً در ب ورود و خروج آن خانه می‌باشد و در وسط خانه
 یا کعبه یک سلول ملکه یعنی اولین سلول موجود است. سلول ملکه زن و مرد، کانون
 انرژی در زمین بیت‌القدس و تخت جمشید و لبنان و ایتوپیا و کربلا و مکه و جکران و



چندین نقطه خاص می‌باشد. تاثیرات بخشهای
 مختلف نیاز بر مراکز انرژی بدن بدینصورت است:
 ۱- حمد و توحید بر مرکز ثقل ناف یا تان تین تاثیر
 می‌گذارند.

۲- تسبیحات اربعه بر چاکرای پنجم یا گلو تاثیر
 می‌گذارند. صدای مسلط صدای انسانست.

۳- رکوع و سجود بر چاکرای ششم یا پیشانی
 تاثیر می‌گذارند.

۴- تفتوت و تشهد و سلام بر چاکرای چهارم یا
 قلب تاثیر می‌گذارند.

۵- مجموعه فعل و انفعالات نیاز از اذان و وضو
 و رکعات نیاز بر چاکرای هفتم یا فرق سر تاثیر دارند.

مغز سر جای چسبیدن (فرق سر) جایگاه اتصال
 باروح - روح تپش و نوسان دارد. تپش خارج از
 زمان تشکیل می‌شود.

کلمات نیاز انتقال شده است و هاله ما را بسط خوبی
 تغییر می‌دهد.

زمانی که پیامبران می آیند و خودشان را با جهل بشریت مصداق میکنند، در حقیقت در توافق نیروها بوده چون مخالفت نیز نوعی توافق است، برای درک چیزی باید با آن یکی شد و قبل از درک باید توافق نیروها را دریافت کرد. مصداق نیروی است اتصالی که هیچ فاصله‌ای بین آن نباشد، محلی درست است که برآیندش انرژی خیر بدهد، ایرانها موجودات ذهنی هستند و زیاد وارد عالم تحقق نمیشوند. منشاء ما هوشی است، در شاهنامه ملز درست کردن آتش را هوشنگ یاد دارد، هوشنگ یکی از انماهای شیطان است، تسلط شیطان باعث از دست دادن اراده میشود و حرکت ما بر اساس تحریک شیطان میشود. مخصوصاً ایرانها، اینها آزمون انماهاست و ما اقبال اینرا داریم که این واقعیت را بدانیم. پذیرفتن و درگروان شدن دو چیز متفاوت است، هر چه خود را بزرگتر حس کنیم بیچاره‌تریم. وسیله دعوت شیطان ابلیس است، برای هر کسی قرین میگذا ریم. آن قرین نمایند شیطان است. سبأله (لعن و نفرین) در بعد انرژی منفی است. طریقت راهی است از منطقه‌ای به منطقه‌ای. شریعت راه آب است، راهی که از کنار دریا رودخانه پائین آمد تا به سطح آب برسد تا برداشتن آب ممکن گردد. صراط را هیست که با وجود میروند و مذهب یعنی راه و روش راه رفتن است. دین در تعبیری معنای راه میدهد. ائمت از ریشه اُمّ یعنی آهنگ و راه است. عبادت یعنی هموار شدن و هموار کردن راه است. تسبیح به معنی راه است. حج یعنی آهنگ و قصد جایی کردن، طواف یعنی برگرد محور حرکت کردن. سعی یعنی از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر در کوششی برای یافتن مطلوب، دویدن است. راه یعنی مسیری که باید از آن عبور کرد و به مقصدی رسید. نه اینکه در راه ایستاد و با تجلیلهای بی هدف و بی حقیقت پرداخت. امام علی (ع)؟ مسانیکه بی دانش و نا آگاه عبادت میکنند همچون خرگردونه خراس هستند. وقتی علم از دسترس مردم دور شد بسادگی در اختیار قدرت قرار میگیرد و هنر به هنر در خدمت اشرافیت تبدیل میشود. دانشمندان و هنرمندان بزرگترین سرمایه زندگی بشریتند زیرا وارثان انبیاء هستند. فقه جنبه علمی خود را از دست داده است. مصلحت در دین نابود کننده مذهب است، مصلحت همیشه روی پیش دروغین زیبایی بوده است. اسلام یعنی تسلیم در برابر اراده خداوند و عصیان در برابر همه اراده‌ها و زنجیرهایی که بر اراده انسان تحمیل میشود. آئینه با خداوند تحمیل میشود عبادت یعنی انسان اراده اش را تابع این قوانین علی بکنند، بنسب سده بعد پیروی کند تا بتواند کمال پیدا کند. این قوانین مشیت الهی است. معنویت، آموخته‌ها و اکتسابات مفید روح ملکوتی است که در سیر کمال چهار آید. قوانین ادعوی استجب لکم (۴ حرفت) - داشتن رفتاری مطابق با اصول الهی - برحق بودن خواسته - ممکن بودن خواسته - باید حالت طلب با چنان هیجانی همراه باشد که جرقه‌ای

از آن پدید آید و خواسته را با مبداء برساند و چون خواسته با مبداء برسد استحقاق
خواهنده مورد بررسی قرار میگیرد و در صورت مثبت بودن خواسته با درخواست ترتیب
اثر داده میشود تا قوه ای که در وجود مان هست را تقویت نکنیم و با مبداء ارتباطش
نرهمیم دعاها همان ششیده نمیشود جهت پذیرفته شدن دعا باید اعتباری در مبداء داشته
باشیم، هر چند که این اعتبار جزئی باشد خداوند در عالم علی از راههای علی جلوه میکند.
آیا ما این کمالها را بازنگه داشته ایم، اگر واقعاً خواستار دیدار خدایم اول باید بیاوریم
که چگونه رمز تجلیات او را در عالم علی بکشاییم. علم معنویت واقعی در اختیار نخبگان
است، هر آنچه که تحت قانون علیت قرار گیرد یعنی محکوم جبر علی باشد ماده است.
همه مخلوقات دارای حرکت جوهری هستند و این حرکت آنها را بسوی مقصد نهایی شان
یعنی کمال با جلو میبرد. در حقیقت ذات یا جوهر هر موجودی روح آن موجود است. هر چه
از موجودی بروز کند جزء خصایص روح محسوب میشود روح بشری (علی) پس از کمال
خود با روح ملکوتی (ما فوق علی) متحد میشود روح ملکوتی انسان خالص بوده اما
تک قله ای است، خالص بودن روح ملکوتی به معنای کامل بودنش نیست و باید صفات او با
مواجهه با خصایص روح بشری به قوام برسد. روح بشری همانند قطب دیگری مثلاً منفی
برای روح ملکوتی مثلاً مثبت میباشد تا با این ترتیب استعداد رسیدن به کمال در او ایجاد
گردد. درست مثل ایجاد جریان الکتریسیته، انسان باید به کمک اراده از بارهای بشری
(علی) خود یک بار خالص شود. این خلاصی وقتی است که چنین باری به یک کیفیت
ملکوتی (فوق علی) تبدیل گردد و بدین ترتیب قابلیت دریافت نیروی جاذب الهی در او
افزایش یابد، این روند آنقدر افزایش می یابد تا شخص بتواند به کمال جاذبه ما فوق علی
نزدیک شود. و اگر کسی به ورود آن برسد بطور حتم به انتها خواهد رسید پس از رسیدن
به انتهای کمال در صورت کسب امتیازات لازم روح به اراده حق یکسره جذب مبداء
میشود و به آن میپیوندد و مرحله نهایی یعنی وصل شدن به مصدریت الهی به اراده ما
بستگی ندارد و فقط اراده اوست که هر که را بخواهد از این مرحله نهایی عبور میدهد.
در هر روحی همه خصایص روحهای قبلی ابتدائی تر را که باعث پیدایش او بوده اند وجود دارد.
ذات هر چیزی عاری از نقص است. وقتی روح ماده را ترک میکند ماده به عناصر تشکیل
دهنده اش تجزیه میشود تا بتواند دوباره محمول بر این نهایی روحی دیگر قرار گیرد. این کار
آنقدر تکرار میشود تا ماده به سطحی برسد که به نوع خود تبدیل به روح شود. بهترین راه
رهای از بارهای علی ایمن بی خلل داشتن است. یعنی در وجود عالم دیگر شک نداشته و
دانستن اینکه ذات احدی بر همه چیز محیط و بر کلیه مخلوقین ناظر و حافظ حقوق آنان است.

وایمان داشتن با اینکه هر موجودی را حساب و کتابی است و نهایتی دارد که همان رحمت با
سپرده خلقت اوست. شرایط آزاد ساختن خویشتن از جبر علی طبیعت بشری عبارتند از:
۱- اعتقاد به وجه الله؛ عوامل موثر در ما فوق علی (ملکوتی) درونی و بیرونی، ما را با جستجو
و پرورش فضایل الهی یعنی ارزشهای امیل اخلاقی و صفات ملکوتی برمی انگیزند. عوامل
موثر در علی (بشری) کشتیهای متقی چون لذت حوی، ثروت اندوزی و قدرت طلبی و غیره.
۲- تعمق در وجود خود و چشم از ضعفهای دیگران برداشتن و به نقاط ضعف خود پرداختن
تا بدین وسیله انگیزه اصلاح و کاستن از بار علی را در خود بیدار کنیم.

۳- آگاهی به این نکته که زندگی ما در دنیای بعد و در بعدی دیگر ادامه دارد و پذیرش این
مسئله که هر چه بار علی ما کمتر باشد در آنجا از نشأت بیشتری برخوردار خواهیم بود.

۴- آگاهی به اصول و تعالیم معنوی حقیقی و غیر منسوخ، عمل به اصول معنوی با عمل
بهره ای عاید روح ملکوتی نمیکند و جهت رسیدن به نتایج مثبت و پیشرفت در امور معنوی
باید به اصول ما فوق علی حقیقی اصولی که زنده و منطبق با زمان باشد.

عوامل موثر ما فوق علی بیرونی و درونی (ملکوتی) اولیاء الله میباشند که تعلیمات الهی را
به ما منتقل میکنند. برای وجدان عامل موثری در ما فوق علی درونی است. عدالت تفادیر
صورتی مفهوم پیدا میکند که قاصی موجودات از امکانات مساوی برخوردار باشند و هر یک
منصفانه مورد قضاوت قرار گیرد. جسم و محیط اولیا رشک در وقت تولد با ما تخصیص
دارد شده حاصل اعمال ما در زندگیهای گذشته است. نامالیات معمولاً به دو صورت است:
۱- جسمی که مستقیم ناشی از گرفتاریها میباشند. روانی که غیر مستقیم و معمولاً تحلیلی
دشواری تر و از نداشتن علت نامالیات و احساس بی عدالتی سرچشمه میگردد. در چنین حالتی
آنچه بر انسان میگذرد ظلم بنظر میرسد. روش مناسب برای مقابله با هر سختی و نامالیاتی
دانستن علت و منشأ آنست. نقش دیگر زندگیهای متوالی برخورداری از کلاسهای جبرانی
است و وقت و فرصتی است که خداوند در اختیار انسان میگذارد تا خود را تصحیح کند. خاطره
زندگیهای گذشته به تمام و کمال و تا ابد در حافظه روح (حافظه فرادماغی) انسان محفوظ
است. بطوری که روح در لحظه ترک جسم برای ورود به عالم برزخ همه چیز را به خاطر میآورد
تمام روحها این امکان را دارند که با کار و کوشش ظرفیت خود را افزایش دهند. واقعیت وجود
ما آگاهی است و منشأ آگاهی انسان از روح ملکوتی است. سیرکهای مسابقه باز یکران
نیست، مسابقه با خود است، مقابله با ضرب العجل است. مجموع بارهای علی و امتیازات ما فوق
علی که همه در خود حقیقی اوضیط و با یگانگی شده و محفوظ مانده اند از ریایی میشوند. جوهر چیست.

جوهر همه چیز را بوجود می‌آورد بدون اینکه خود برای بوجود آمدن احتیاج به خالق و صانع داشته باشد و مکرر عبارتست از چیزهایی که جوهر بوجود آورده و تمام چیزهایی که می‌بینیم و میشنویم و با سایر حواس خود احساس میکنیم، ابلیس کیست: ابلیس مربوط به درون ماست، ذهن ماست، آخرین نیروی که به آخرین لایه متصل است. ابلیس از دو بخش آب یعنی پدر و لیس یعنی باخلاق وجودش حمل لیس زدن را انجام میدهد. سین رابطهش است. ابلیس مدام روی ما کار میکند تا ما را ببلعد. ابلیس مربوط به حیات ما نیست بلکه ما را کشف کرده و از ما استفاده میکند. ابلیس نیروی خارجی است (نیروی تاریکی) که همواره با تولد به ما می‌چسبد و دانش و آگاهی آنها از ما بسیار بالا تر است. ابلیس ذهنی است که با ما زندگی میکند (قضا و نها) و بجای ما این فکرها را میکند. ابلیس به درون پیله‌ها راه ندارد، هرچه بیشتر بر ذهن مسلط شویم بر آن مسلط میشویم. ابلیسها به دنیا آمده اند و تکثیر شدند و در بعد زمانی دیگری قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل مرقضا و نها همان نیروهایی است که غذای ابلیس است. پوست خارجی که ابلیسها از آن تغذیه میکنند لیس میزنند اگر ترک بخورد ما می‌میریم. منیت با خواسته‌های جسم متفاوت است. تا زمانی که منیت باشد ابلیسها تغذیه میکنند و کافی است خود خواهی هر کدامتان را تحریک کرد. هر کس یک مصرف کننده داپی دارد، چنانچه انضباط را بدست آورید رهایی حاصلی می‌گردد. تنها چیزی که برای انسان فعلی باقی مانده منیتش می‌باشد، زیرا تنها وسیله تراوش انرژیهای ناخواسته است. (پر تاب انرژیهای ناخواسته). مسئله ما سر رفتن خود خواهان است. سینه غذای ابلیس را آماده میکند. تنها راه اینست که بپذیری و بدان که خصلتهای منفی مال خودت نیست و با آن کنار بیایی و کم کم آنها را با نیروی قصد خلقت متصل کنی. در او بیش بزرگترین اسیرهای آنها هستند. برای عامه توقف ذهن کاملاً سخت است. ذهن مقاوم تحت تسلط ابلیس است. ابلیس طبق ساختار ما برنا می‌ریزی میکند. هر چیزی که به من ختم شود مربوط به ما نیست. عذاب وجدان و پشیمانی یکی از حالتهاست که نیروها را منفجر میکند. حس ذلالت باعث خوراک ابلیس شدن است. ادای تواضع از روی منیت خوراک میشود هرچه سن کمتر آگاهی بالاتر است. تمرکز بچه خالی از ذهن است. حامیها از وجود ابلیس خبر دارند ولی اجازه ندارند به او بگویند و آن نیروی است که فکر خود ماست. صدای زیر صدای ما (صدای اصل کاری) کار خاصی فقط راهنمایی است و کاری از دستشان بر نمی‌آید. بزرگترین خیانت دادن ذهن خود به دیگران است. غیر مقاوم کردن ذهن تنها بیک وسیله است. اسرار را به ذهنیت تبدیل میکنیم. بدترین بلا اینست که اجازه تسلط به شیاطین بدهید صرفاً برای آزمون، ذهن مثل حبابی است پرروی نیروهای خیر.

همه انسانها اثر ترا تور بالقوه انرژی هستند. نوع انرژی که از خود ساطع میکنند بستگی به ساختار افکار آنان دارد. پس طبیعی است که تمام افرادی که در شیم پزشکی جهت بهبود بیمار کار میکنند با خواست بهبودی بیماران این نوع انرژی را از خود ساطع میکنند. اکثر افراد پزشک و دستیاران آنها هاله سبز دارند که مضمومش شفا و ستم زدایی است. یعنی خواست آنها از طریق امواج الکترو مغناطیس ساطع و وارد هاله و جسم بیماران شده و در بهبود آنان نقش دارد. اثر بلا سبوی هم به همین صورت اثر میکند و روی روند پژوهشها اثر میگذارد. اثر بلا سبوی غالب از کسی ساطع میشود که اقتدار روحی بیشتری دارد. با آموزش این انرژیها را میتوان جهت داد و متمرکز کرد و بعنوان یک روش درمانی بکار برد. پزشکان جهت خود درمانی از کمک پزشکان دیگر استفاده کنند. نزد شخصی بروید که هاله اش مختل نیست. خاکهای در زیر قشر خاک سطحی بر روی درمان درمانگر اثر میگذارد. تالاموس از طریق سیستمهای مغزی میتواند ادامه درمان درمانگر را پس از کار درمانگر انجام دهد. هنگام تمرکز امواج بیو گنتیک زمین و درمانگر همسو میگردد یعنی ضربان قلب و مغزی هر دو نفر در حالت آلفا یکسان میشود هنگام درمانگری میدان مغناطیس دستهای درمانگر بزرگتر و وسیعتر میشود. هاله پزشکی علاوه بر دارو بر بیمار هم اثر میگذارد. با تمرین و درک انرژی الکترو مغناطیس افزایش می یابد. هنگام انرژی دادن، هر عضوی انرژی خاص خود را دارد. دین برای درمان واجب نیست. ما هیچگاه جهت انتقال انرژی اند. جریان خون ما رپیی است و کمک میکند که الکتریسیته قلب با آفت کمتری به تمام اعصاب برسد. اطراف هر عضوی امواج مغناطیس وجود دارد. امواج الکتریکی باعث تغییر طول موج مغز میگردد. انرژی منفی انرژی مثبت را خنثی میکند. داروی ما با خود مان است. در زمان درمانگری بهترین انرژی انرژی مؤنث و عاطفی است. همه بیماران موقع درمان از هاله پزشکان نشان استفاده میکنند. آنچه از ما جاری میشود روان یا نفس ما است. مشکلات هنگام درمان سه بخش عمده دارد. یکی با از ما خوشش نمی آید یا با ورنه در دیا طول موجش با ما نمیخورد. امواج خوب امواجی است که از سرنگی ساطع میشود چون مؤثرترین ارتعاشی است. درمانگرها با گرفتن بیماری از بیماران، طبیعت کم کم در آنان مصومیت ایجاد میکند. انرژی پزنده غذا طعم غذا را تغییر میدهد. اثر فعلی انرژی در سطح الکترونها است و کم کم تغییر در مورد اثرها صورت میگیرد. همه دردها رنگ خاص خود را دارند. حسادت رنگ سبز پررنگ لجنی - ترس رنگ زرد زرد چوبه. خشم رنگ قرمز خون آلود - غم و غصه کهنه رنگ کبود - دعا آبی آسمانی - شفا سبز سردی. انرژی باعث تغییر در شیوی بدن میگردد. هر چه اقتدار بالاتر خواست سریعتر انجام میشود. فقط انرژی و خواست از شما ساطع میشود بدون اجازه نباید وارد هاله دیگران شوید. درک انرژی در اطراف متفاوت است. اطلاعات گرفته شده از بالا در هاله پرمیشود انسانهایی که

مولود معجزشان یکسان نیست با هم پرواز میکنند. هنگام تخلیه بیمار به سطح آگاهی انرژی درون آمده و شما میتوانید ببینید. زیرا اطلاعات نوری میباشد. انرژی کاملاً مادریست و در سطح زمین است. با تفکر خوبی پتانسیل نیز به سمت خوب کشیده میشود. جوهر وجودی ماهان ستاره میباشد که خازن انرژی زمینیهاست. از آنجایی که ماهیچهها جهت انتقال انرژی هستند پس تقویت عضلات التراس است. هاله اتم الکترون و پروتون دارد. همانطور که خون دادن شرایط دارد انرژی دادن هم شرایط دارد. آنچه در بعد ماده وجود دارد با میدان انرژی در هاله متفاوت میباشد. در عالم هجده هزار فرکانس و آگاهی وجود دارد. با افکار میتوان روی سلولها تغییر ایجاد نمود. به همین دلیل امواج پزشکی درمانگر میتواند تغییر ایجاد کند. سسکه هسینو تیزم میکند از او انرژی سا طلع میشود. بعضیهای فروخورده روی تیروئید اثر گذاشته و باعث بیماری میشود. بیماری متغیر و پزشکی ثابت میباشد. پزشکان نیز دیگرشان اطلاعات پزشکی دارد. این موج انرژیهاست که بیماری ایجاد میکند. هنگام درواگیری باید بخوابید که موجهای بیماری را برونند. وجود مایه آب در محیط و کندان بسیار مفید است. مولدانی کردن با زدم باعث آندروفین در بدن و در نتیجه شادی میگردد. در مراقبه ما بدن را تعریف نیستیم بلکه بدن را حس هستیم. با آن ارتباط را برقرار کرده و از آن میگذریم. هنگام مراقبه تعداد شیاهای بیشتری در مغز ایجاد میگردد. با کار کردن و استفاده از حافظه حجم حافظه افزایش مییابد. در طی مراقبه ما هم در طول عمر درک میگردد. مراقبه میتواند موتورهای وجود را در اختیار گذاشته و یاد داری لازم خاموش کند. زمانیکه تحت تأثیر انوار خاصی قرار میگیرید از خود نور سا طلع میکنند که اکثر مواقع بصورت موج میباشد. انرژی درمان در بعد سلولی تأثیر میگذارد. مغز جدید بر روی مغز قدیم ساخته میشود. هر کدام از ما حاصل تمام آگاهی و اطلاعاتی هستیم که در این تحول در ریجی مغز اتفاق افتاده. فرمان از بالا توسط میدان انرژی بر شخص القاء شده است. میدان انرژی بر روی هر ذره با آن ذره اجازت داده میشود تا آن ذره تبدیل به قرینه کبر و غیره شود. لذا با همین میدان انرژی میتوان مداخله کرد. هاله یا اطلاعات الکترو مغناطیس مجموع تمام آگاهیهای ما در طول حیات است که مغز پیردانششان میکند. نزدیکترین لایه جسم پدید است و ما را به عالم ماده متصل میکند. لایه سوم و چهارم به مسائل فکری و روحی بستگی دارد. لایه پنجم امر نیروی مشیت الهی - اراده خلقت میباشد. لایه هفتم لایه دانایی اتحاد با معرفت است. در وجود ما بنوعی سیری که از ابتدای خلقت هر مذهب و ملیتی آمده وجود دارد. لایه اول و دوم مربوط به سلامت جسمانی است. در مبحث هیلیینگ شخص نباید از انرژی خودش ببخشد بلکه فقط باید کانال شود تا انرژیهای خلقت او را شفا دهند. شما باید تنها مثل سیم برق شده و از خودتان نیرو ندهید. فقط واسطه باشید.

لایه سوم مربوط به ذهنیت است. هر حالت روانی انرژی است. مراقبه پتانسیل انرژیها را
تغییر میدهد. مرکز قالیهای ذهنی در دست راست است. با دست راست دست چپ را
بگیرید، بصورت سیگنال از سمت راست به سمت چپ رفته و با یک می شود کنترل ذهن عبارتست
از ۱- شناخت کارکرد ذهن ۲- تقویت اراده ۳- یادگیری تکنیک ۴- مهارت ۵- صبر .
تقویت اراده با رعایت این مسایل بدست می آید ۱- حرک لذت طلبی با قصد جهت رسیدن
به هدف ۲- کنترل چشم ۳- کنترل چشم ۴- کنترل شهوت ۵- کنترل شکم ۶- کنترل تنفس
۷- حفظ انضباط شخصی. مرور کردن خاصیت ذهن است. ذهن انرژی آگاهی را پیوسته از
هر چه در این دنیا است ذهن است. حیطه فعالیت ذهن تا لایه چهارم است. تفکر بعد از لایه
چهارم و پنجم است و تا لایه هفتم نیز قابل انتقال است. اراده انرژی مذکر پدر می باشد که
چیز را به سمت خود میکشد و روان انرژی مؤنث مادر می باشد و انرژی که از مادر میگیریم باید به آن
پس بدهیم. لهره، بجزکت در آمدن اراده می باشد. که پوره، نشانه کارکرد درونیست. تنفس،
اراده و روان را متعادل میکند. کنترل پیگیری حواس پنجگانه حس ششم و ارتباط با خود را تقویت
میکند. ثرائیم نادیه را باز میکند برای چکینگ بدن از تصور و تخیل و ضمیر ناخود آگاه استفاده کنید
نزدیکترین رنگ به تصور رنگهای رنگین کمان است که رنگهای بدن نیز هست. منبع دریافت
رنگها زمین است. ما از طریق مرکز نور قرمز به زمین متصل می شویم. بقاء فکر شکل پیدا میکند.
خلقت قانون بنزیهای زیرین دارد. یکسری تصویر با انسان داده شده بنام ذهن و فقط ذهن
وسيلة زندگی است. به انسان اجازه تفکر تا بینهایت داده شده تا بینهایت را به درون بکشد.
توافق نیروها؛ چنانچه مسیر درست انتخاب شود همه نیروها در جهت یک برانگیخته میشوند
در برضی از موافقت نیز نوعی توافق است. تنها وسیله ما دانایی است و حرف آخر
تجربه میزند. برای درک چیزی باید با آن یکی شد و قبل از درک باید توافق نیروها را دریافت کرد.
اصل کمترین انرژی؛ عدد و برق در هر لحظه کوتاهترین مسیر را انتخاب میکنند. کوتاهترین مسیر
را خلقت انتخاب میکنند. مسیر زندگی پر از احتمال است. ضریب ۲۱۴ باید در تمام ارقام ضرب
شده باشد. رقم و اعداد مربوط به عالم تاریکی است. نامه اجمال بصورت اعداد است. نیروی
که کلیه عناصر از آن منبث شده و منشأ تمام نیروهاست یک نیروی واحد است. نیروهای
عناصر به وحدت میرسند. این نیروی واحد است که اجزای خلقت را بهم متصل کرده است.
یکی از رازهای انسان اینست که میتواند دوباره با آن نیرو برسد. DNA کدهای ۴ تایی
۴ حرفی است و از بین میلیونها حرف اگر یک جا بجا شود در کمال اختلال ایجاد میشود.

بدون در نظر گرفتن زمان نمیتوان از مکان سخنی به میان آورد و بالعکس. دو عالم هستی چیزی تحت عنوان جریان زمان وجود ندارد. زمان نامستمر است و نه عطفی بلکه نسبی است. دو ناظر در شرایطی ویژه حتی ترتیب زمانی را بگونه‌ای معکوس درک میکنند. همه ما گاهی شتاب زمان یا کم کردن وقت را تجربه کرده ایم. لحظاتی همچنان انگیزی که ظرف چند ثانیه پیش آمده ولی برای ما طولانیتر بوده و یا ملاقات شخصی پس از سالها دوری ولی برای ما گویی همین دیروز بوده است. در فرهنگ بومی آمریکا زمان فقط اکنون و سایر اوقات و در ساکنان اولیه استرالیا زمان گذار و زمان کبیر بوده است. ما در هم اکنون زندگی میکنیم و بیشتر چنین صیغها یه در حال باز نویسی تاریخچه شخصی گذشته و آینده خود هستیم. هاله واسفله ایست که خلقت از طریق آن محقق میگردد. برای برقراری مجدد سلامتی بیمار آن، بازگرداندن تعادل به هاله ضروری است. دودره همانند دو جسم یکدیگر را جذب میکنند. هر بار الکتریکی در اطراف خود نوعی تاثیر ایجاد میکند و تحت چنین شرایطی بار الکتریکی مخالف در صورت حضور نیروی را دریافت میکند. حوزه انرژی انسان ذاتاً ذره ای بوده و دارای حرکت سیالی مانند جریان آب یا هوا میباشد. و این ذرات که از اتم نیز کوچکترند باردار بوده و در حرکت گروهی به شکل ابرظلام میشوند (حالتی بین انرژی و ماده). خداوند اهورکیهان را با تعادف و انبساط خود خورشید حبابهای اورگون را شارژ میکند هر تغییری در این حوزه تحولی را در جهان ماده نیز بدنبال دارد. حوزه انرژی کیهانی همواره با نوعی آگاهی همراه است که مقدار آن بین دو قطب بسیار پیشرفته و بسیار بدوی در نوسان است. آگاهی پیشرفته با ارتعاشات بیشتر و سطوح برتر انرژی همراه است. خلقت یک ماشین کامل است که در آن انرژی هرگز نپسورد و کاملاً تبدیل شده میگردد. هر کالبدی از کالبد قبلی لطیفتر و نسبت به آن دارای ارتعاشات برتری است. کالبدی که مذکور بر یکدیگر محیط بوده و بترتیب برهم تاثیر میکنند. طبیعت خلقتی انسان طوری است که جز از طریق تجارب شخصی قادر نیست چنانکه با پرورش ایداز ماهیت چیزی آگاه شود و واقعیت آنرا لمس کند. حواس جسمانی پس از تولد معمولاً خود بخود بکار میافتند و حال آنکه حواس روحانی بصورت بالقوه در ما وجود داشته و به فعل درآوردن آنها مستلزم کوششی ارادی است. پرورش ارادی و منظم یک استعداد که مختاریم بعد از آن استقاده کنیم یا نکنیم اراده نیروی است که با کمک آن خود را و ادار به انجام کارهای میکنیم که مغایر با طبیعت و نمریزه ما است. اگر تجربه ای در مورد چیزی ندارید در موردش حرف نزنید و فلسفه دان نشوید. بلکه تجربه دان باشید. زمان بر خورد با هر چه دیده اولین کار انکار است. شما خود آن شخص را بطرف خود میکشید. به هر چه دیده که در زندگی ما بوجود می آید باید توجه کنیم. زمانیکه پذیره ای برای ما حل شود برای دیگران نیز حل میشود. آگاهی از نیروی اراده آمده و ذهن جلوی اراده و قصد را میکشد. اتصال نیروی قصد ما به نیروی قصد خلقت بوده و ذهن جلوی این مسئله را میکشد.

ریشه روانی بیماریها یا مشکلات :

اعتراضی: بیماری عمومی، اعتراض به آنچه که هست. وقتی اعتراض میا شد ناراضی می آید و ناراضی موجب منفی میفرستد و موجب منفی بهت خود مان جذب میشود درد کتف: در اثر ذخیره کردن احساسی ترس یا عصبیت در ناحیه کتف میا شد. عقده: ملافه های از اطلاعات نوری ناخوشایند میا شد.

مواد مخدر و الکلی: بدن را ارضاء میکنند ولی فکر را فلج کردن و شخص را از خود شناس باز میدارد. شک و تردید: نشاء ندهنده ارزش قابل نبودن برای خود است و باعث سرخورگی میشود. شتاب: بدلیل فکر نکردن کاری که میکنید وابسته به قوانین فیزیکی است چون نشاء خالقش نیستید. خستگی و فرسودگی: نیاز برای مرتب کردن هدف، وجود بی نظمی در هدفها، برای اهداف لیست بنویسید. خیال کردن: باعث محدودیت آگاهی میشود. عدم کنترل بر روی فکر. ناراحتی قلبی: داشتن تصویر ناواقعی از خود و سعی در جهت رسیدن به تصویر ناواقعی خود. صرع: نخواستن در رشد کردن.

رکود: انکار تصمیم گیری. ساکن در درون را کلام میشود پس رفتن: نیاز به تصور کردن، تفکر به گذشته، شخص قادر به خلاقیت نیست. تنفر و قضاوت و نفرت: چیزی در گذشته اتفاق افتاده و هنوز قادر به رها کردن آن نیستیم، تکرر به گذشته ای که قادر به رها کردنش نیستیم.

حسادت: بعد منفی غبطه خوردن، باعث رقابت میشود. سرما خوردگی: نیاز به تصمیم گرفتن

سردرد: نیاز به بیان کردن افکار خود. اگر افکار درون را خارج نکنیم باعث بالا رفتن فشار درون میشود. سرطانی: نیاز به بیان خشم و نفرت از شخص، زمان برگشت خشم به بدن سرطانی ایجاد میکند. یعنی در واقع ما از خود متنفر هستیم. سلولهای ایمن ما نسبت به افکار ما واکنشی نشان میدهند. ناراحتی کلیه و مثانه: نیاز به رها کردن گناه و وابستگی به گذشته. پیشانی باعث ایجاد حس گناه است.

مسئولیت: پذیرش مسئولیت افکار و اعمال

ترس: نیاز به استفاده از قدرت تصور

حساسیت: نیاز به دیدن ارزشهای خود به جای وابسته بودن به اندیشه دیگران.

آرتروز: رفتن از محدودیتها روزمره. رفتن از محدودیتها به ما و راه، کاسته شدن انرژی در درون و در نتیجه به هدفهای بیرون نمی رسیم.

کمر درد: نیاز به برطرف کردن کشمکشهای درونی و حل کردن مسایل خویش. ضعف چشم: نیاز به درک دقیق از رویدادها.

سنگ کلیه و کیسه صفرا: نیاز به کنترل خود به جای کنترل دیگران.

زردی: تنفر از نداشتن هدف در زندگی و نبودن هدف.

دیابت: امتناع از بخشش، حساست، دیابت ژنتیکی نیست.

افسردگی: متوقف کردن و جلوگیری از هدف

اکزما: زمانی که برداشتی از خود داریم و سستی جهت نایب خود ایجاد میکنیم، خود را بیخشیید.

هدایت انرژی پرانا به مراکز حیاتی بدن به سبک اسلامی؛

تمامی اجزاء و اشکال هندسی و معماری بناهای مذهبی مانند مساجد، با مراکز انرژی حیاتی بدن که دقیقاً به انرژی کیهانی متصل میباشند ارتباط دارند. امروزه طراحی و ساخت بناها بدون محاسبه و منظور نمودن هدایت انرژی حیاتی انجام نمیگیرد. بطوریکه اغلب زیست فضای انسان نه تنها فاقد انرژیهای مثبت حیاتی است بلکه دارای انرژی منفی است. در چنین وضعی انسان نیاز به شناخت و هدایت و انتقال انرژی پرانا به کانالها و مراکز حیاتی بدن دارد. انرژی حیاتی یا سایکو دینامیک به همراه قهرین پرانا یا موقعبیتی بسیار معجزه آسا و پس سابقه در هدایت انرژی پرانا و اودانا به مراکز حیاتی بدن واقع در راستای ستون نخاعی را فراهم میکند. برای این منظور تکنیکی را ارائه میدهیم که با اقتباس از معماری اسلامی و براساس ارتفاع رأس گنبد تا کف زمین مساجد طراحی گردیده که میتوانیم انرژی حیاتی پرانا را بداخل چاکرای مانی پورا یا شبکه خورشیدی منتقل و سپس انرژی اودانا و سامانا را آزاد و خود آگاه به کنترل در آورده و بعد به ناخود آگاه محول کنیم. انتقال انرژی سامانا بلافاصله برخی از نارسانتهای دستگاه گوارش را مرتفع میکند و انرژی اودانا دید بصری را بطور قدرتمندی افزایش میدهد. این تکنیک میتواند ارتباط انرژیهای کیهانی را با مراکز انرژی بدن برقرار کند.

مولانا علت بیماریها را سه چیز میداند - جرم - جبر - اختیار، همان چیزی که در فلسفه هند کارها نامیده میشود، ولی میگوید آتش (انرژی) از چرخ نهم (آسمان نهم - چاکرای نهم) میفرستیم که تا در است هر سه علت را از بین ببرد:

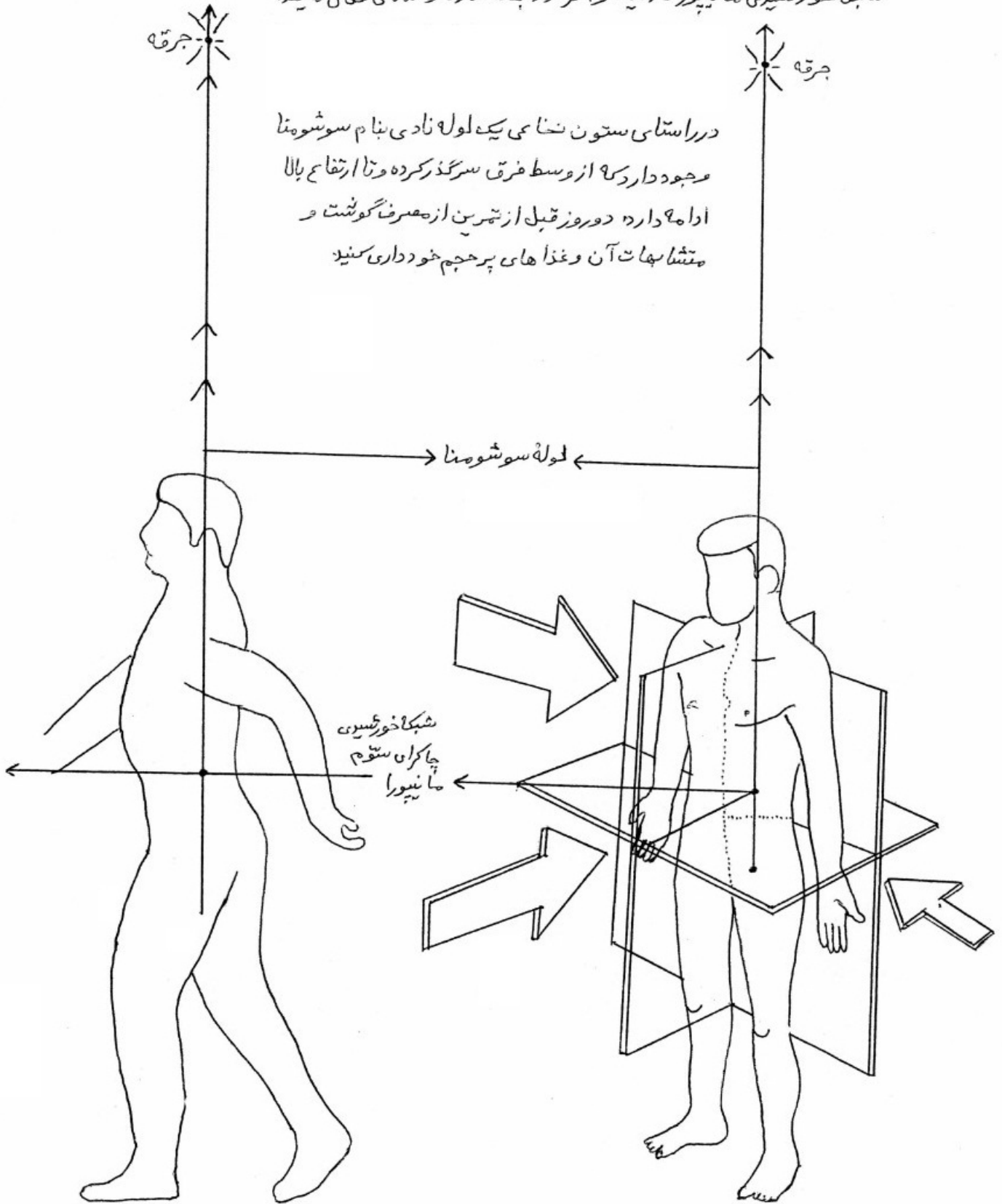
آتش که شعله اش کمتر شرار	ص بسوزد جرم و جبر و اختیار
شعله در بن گاه انسانی ز نیم	خار را گلزار روحانی کنیم
ما فرستادیم از چرخ نهم	سپیدای صلح لکم اعمالکم

مولانا معتقد است انسان خود بنوعی مسئول بیماریهاست:

گفت پیغمبر که یزدان مجید	از بن هر درد درمان آفرید
لیک زان درمان نین رنگ و بو	بهر درد خویش بن فرمان او
هم دعا از تو اچابت هم ز تو	ایمنی از تو سهابت هم ز تو

دربان ما کلمه بیماری (مرض در عربی است) ترکیب دو کلمه بیم + آری است، یعنی آنچه که ترس با خود به همراه دارد که تغییر فرم یافته و بیماری شده است. آنچه در اکثر مذاهب گناه محسوب شده اقدام به آنها بیم آری به همراه دارد. حضرت محمد (ص) با هر گناه جدیدی بیماری جدیدی شیوع می یابد.

انرژی حیاتی در عرفان ایران دود- عمد- آتش و در عرفان هند پرانا و در عرفان چین چی و در فارسی عامه نا نامیده میشود. اما تکنیک جذب انرژی حیاتی پرانا بدین شرح میباشد:
 سه روز انجام دادن این تکنیک انرژی پرانا را از ناخود آگاه از طریق لوله نادی سوشومنا به داخل شبکه خورشیدی مانپورا هدایت و آنرا در جهت قدرت و سلامتی فعال میکند.



- ۱- سطوح آنا تومیک بدن عبارتند از: سمت راست، بالا، جلو مثبت و سمت چپ، پائین، عقب منفی میباشند؟ این سطوح در نقطه ای بنام مانیپورا یا مرکز شبکه خورشیدی واقع در ستون نخاعی و در راستای ناف همدیگر را قطع میکنند.
- ۲- گام برداشتن با پای چپ و همزمان شمارش ذهنی با هر گام پای چپ . هر گام معادل دو قدم معمولی باشد.
- ۳- سه گام دم تنفس، سه گام حبس دم و پنج گام باز دم، جمعاً یازده گام معادل بیست و دو قدم.
- ۴- تنفس فقط از بینی باشکلی که دم، حبس دم و باز دم بین گامها تقسیم میگردد.
- ۵- این تیرین باید در مرتبه معین در یک مسیر هموار و در محیط آرام انجام شود تا شمارشها و گامها و تنفس هماهنگ و ناخود آگاه گردد. حداقل پنجاه دقیقه.
- ۶- بعد از پنجاه دقیقه اول در استمرار راهپیمایی ضمن انجام کلیه بندهای فوقی جزء ای در ارتفاع ده متری روی لوله سوشومنا از وسط فرق سر استنباط و القاء (تلقین) گردد که با هر شمارش و هر دم و حبس دم و باز دم لوله سوشومنا را با شدت بسیار بسمت بالا میکشد. مرتبه این عمل حداقل چهل دقیقه باید باشد.